

گروه شاهدان یهوه سالهاست که در میان ایرانیان فعالیت می‌کنند. نخستین بار که با آنها برخورد کردم، فکر می‌کردم این گروه نیز مانند سایر گروه‌های مسیحی، به مسیح ایمان دارند. ولی چیزی نگذشت که از گفتگوی با آنها دریافتم عقاید بس عجیب و دور از واقعیت را تبلیغ می‌کنند. اینها هیچ یک از فرقه‌های مسیحی را قبول ندارند و تنها خودشان را «گوسفندان» مسیح می‌دانند. اصرار بی‌حدی در وارد شدن به منازل مسیحیان به اصطلاح گمراه (!) دارند و برای تبلیغ عقاید خود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند، زیرا اگر کوشش نکنند ممکن است نجات پیدا نکنند!

در این کتاب مختصر، ابتدا به تاریخ پیدایی این فرقه دروغین می‌پردازیم، سپس عقاید آنان را بطور واضح آشکار می‌سازیم، تا خوانندگان عزیز قبل از اینکه در دام عقاید غلط آنان بیفتند، واقعیت امر را شناخته باشند و بتوانند با آن مقابله نمایند.

تاریخچه شاهدان یهوه

در ماه فوریه ۱۸۵۲، در شهر پیستبورگ واقع در ایالت پنسیلوانیا (ایالات متحده آمریکا)، در یک خانواده پرسبتری پسری متولد شد که نامش چارلز تیز راسل بود. در سن بیست و پنج سالگی فروشنده لباس مردانه شد و در کسب خود مهارت زیادی داشت.

مهارت او در فروشندگی باعث شد وارد فعالیتهای کلیسایی شود. بعثت زمینه مذهبی خاصی که داشت، اعتقاد به وجود جهنم را از همان اول رد کرد. در سن پانزده سالگی نسبت به مذهب شکاک بود، ولی چیزی نگذشت که به مطالعه مجدد کتاب مقدس پرداخت. بدون آمادگی کافی، برای خود طرحهایی ریخت تا به آن وسیله کتاب مقدس را تفسیر کند. کتابهایی که او نوشته، اساس و عقاید شاهدان یهوه را تا به امروز تشکیل می‌دهند. در سال ۱۸۷۰ در پیستبورگ گروهی برای مطالعه کتاب مقدس تشکیل داد و شش سال بعد، بدون اینکه رسماً دستگذاری شود به عنوان «شبان» تعیین شد.

در سال ۱۸۷۹ به انتشار «زایونس واچ تاور» مبادرت بعمل آورد که در آن سال تیراژ آن ۶۰۰۰ بود و حالا به میلیونها نسخه می‌رسد. ده سال بعد، او انجمن «واچ تاور» را افتتاح نمود. این انجمن همراه با انجمن‌های مشابه دیگر به انتشار میلیونها نشریه به زبانهای مختلف دنیا پرداختند تا عقاید شاهدان یهوه را ترویج دهند. در سال ۱۹۰۸ ستاد نهضت شاهدان یهوه به بروکلین (نیویورک) منتقل گشت. بیش از ۲ میلیون نفر از شاهدان یهوه، در حال حاضر در ۲۱۰ کشور و سرزمینهای سراسر دنیا در ۱۴۰۰۰۰۰ خانده، مطالعات هفتگی کتاب مقدس را انجام می‌دهند. از سال ۱۹۴۲ تا بحال، شاهدان داوطلب ۴۱۵ میلیون کتاب مقدس و کتابهای درسی وابسته به

کتاب مقدس و همچنین ۵۹۵۰ میلیون نسخه مجله «واچ تاور» و «اویک» برای توزیع تولید کرده‌اند. (بشارتی برای خوشبخت نمودن شما، سال ۱۳۵۷، صفحه ۱۴۹)

واقعاً که شاهدان یهوه هستی خود را مدیون راسل هستند! زندگی و اخلاقیات راسل همیشه بحث انگیز و جنجالی بوده است. بعلت روابط نامشروع او با یک زن و نیز اخلاقیاتی که بر سر طرز اداره واچ تاور بین او و همسرش بوجود آمد، خانم راسل در سال ۱۸۹۷ از او جدا شد. شش سال بعد دادگاه خانواده به مسأله آقا و خانم راسل رسیدگی کرد و سرانجام در سال ۱۹۰۶ طلاقنامه رسمی را صادر کرد. آقای راسل بر خلاف میل باطنی‌اش محکوم به پرداخت ۶۳۰۶ دلار به همسرش شد. تاریخ شاهدان یهوه را اکثراً می‌توان در پرونده‌های دادستانی یافت، چون زندگی پایه‌گذار این مکتب یک استثنا نبود و پیروانش هم دست کمی از او نداشتند. در دهه اول قرن حاضر «شبان راسل» شروع به تبلیغ «گندم اعجاز آور» کرد که هر که آنرا بخرد - کیلویی دو دلار - و بکارد، پنج برابر بیشتر از گندم معمولی محصول تولید خواهد کرد. ولی سر دبیری در روزنامه خود به این عمل راسل اعتراض کرده، ادعای صد هزار دلار خسارت نمود. در دادگاه وقتی بازرسان دولتی نتوانستند هیچ برتری در گندم اعجاز آور راسل پیدا کنند، راسل را محکوم به پرداخت خسارت کردند.

در دادگاه دیگری در کانادا، او قبل از محاکمه سوگند یاد کرد که می‌تواند زبان اصلی انجیل یعنی یونانی را بخواند، ولی وقتی او را سؤال پیچ کردند، بالاخره مجبور شد اعتراف کند که یونانی نمی‌داند. در نتیجه، دادگاه او را به سوگند شکنی محکوم کرد.

تعلیمات جدید «شبان راسل» از رادیو و مطبوعات با سرعت زیادی توسعه می‌یافت. اثر مهم او شش جلد کتاب است با نام «مطالعاتی در کتاب

مقدس». او حتی در مجله (واچ تاور) در سال ۱۹۱۰ گفته بود بهتر است کتابهای او را بخوانند تا کتاب مقدس را. آثار راسل به اکثر زبانهای دنیا ترجمه شده است.

در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۶ وقتی راسل از مجلس سخنرانی برمیگشت، در بین راه در داخل ترن درگذشت.

چند ماه پس از فوت راسل، «ژوزف راترفورد» به جانشینی او انتخاب شد. وقتی وی سر خاک راسل موعظه می‌کرد، برای او امتیاز ویژه‌ای قائل شد.

بنابر عقاید شاهدان یهوه، مردگان هیچ احساس و هشیاری ندارند، ولی راسل از این امر مستثنی شمرده شد و گفتند او بعد از مرگ به حضور خدا رفته است! راترفورد که در میسوری یک وکیل دادگستری بود، در دام تعلیمات راسل گرفتار شد. در تماسی که بین آنها ایجاد شد، راسل از راترفورد خواست از دیدگاه یک وکیل حقوقی، کتابی درباره مشیت الهی بنویسد. و بدین ترتیب، راترفورد وارد مبارزات این فرقه شد.

چیزی نگذشت که راترفورد تمام استعدادهای خود را برای رهبری گروه راسل بکار گرفت. در جلسات دادگاه بدون واهمه به دفاع از عقاید راسل که مرتب مورد حمله قرار می‌گفت، پرداخت. حملات مردم به این عقاید باعث تقویت آنها گردید. راترفورد علیه «مذهب متشکل» که منظورش مسیحیت بطور کلی است، برخاست و قلمش را در تخطئه تاریخ کلیسا بکار برده، کشیشانی را که دکترای افتخاری داشتند به باد انتقاد گرفت، و آنها را «سگهای خرفت» نامید. این حملات بسیار تند و مداوم بود.

راترفورد از خود راسل نیز بیشتر می‌نوشت. صد جلد کتاب منتشر کرد که به هشتاد زبان ترجمه و توزیع شد. قد و قامت و فصاحت کلام او تأثیر زیادی روی مردم داشت و وجهه خاصی به رهبریت او می‌بخشید.

پس از فوت راترفورد در سال ۱۹۴۲، «ناتان نر» بعنوان سومین رئیس

انجمن شاهدان یهوه انتخاب شد. «نر» در سال ۱۹۰۵ متولد و در هجده سالگی بطور تمام وقت وارد فعالیتهای شاهدان یهوه گردید. برعکس رؤسای قبلی این فرقه، «نر» دوست نداشت اسمش سر زبانها بیفتد. از وقتی که او روی کار آمد، تأکید مخصوصی روی برنامه‌های آموزشی و آمادگی برای (شاهدان) گذاشته شد و در این زمینه کتابهای زیادی منتشر شده است. اخیراً نیز بر اساس عقاید این فرقه، ترجمه‌ای از کتاب مقدس به عمل آمده که به (ترجمه نیوورلد «دنیای جدید») معروف است. مترجمین کتاب مزبور ناشناخته باقی مانده‌اند. معمولاً دانشمندان کتاب مقدس از ارائه اسامی خود در آثارشان خوشحال می‌شوند، ولی این در مورد نویسندگان «شاهدان» صادق نیست، و عموماً نوشته‌های آنان فاقد نام مؤلف هستند.

فعالیت «شاهدان یهوه» با رهبری «نر» از زادگاه این فرقه یعنی آمریکا، به کشورهای دیگر که رقم آنها به ۲۰۰ می‌رسد، توسعه یافته است.

عقاید شاهدان یهوه

رمز موفقیت شاهدان یهوه چیست؟ آنها چه چیزی به مردم می‌گویند که آنها را شیفته عقاید خود می‌سازند؟ آنچه شاهدان یهوه به مردم یاد می‌دهند، حاکی از امید و وعده‌های عالی برای بشر است. پیغام آنها درباره دنیای تازه‌ای است که بزودی ظاهر خواهد شد.

عقاید شاهدان یهوه را می‌توان بطور خلاصه در دو کتابی که به زبان فارسی موجود است، یافت. به همین جهت، کوشش می‌کنیم با اشاره به این دو کتاب، به بحث درباره عقاید آنها پردازیم. این دو کتاب عبارتند از: «حقیقتی که به حیات ابدی هدایت می‌کند» و «بشارتی برای خوشبخت نمودن شما».

۱- یگانه خدا، یهوه است و مسیح «پسر نخست زاده» اوست

شاهدان یهوه «تثلیث اقدس» را صریحاً رد می‌کنند. روح القدس را قدرت خدا می‌دانند و برای او شخصیت یا الوهیت قائل نیستند. (حقیقتی ... ص ۲۲-۲۴). آنها معتقدند مسیح با خدای پدر برابر نیست بلکه مخلوق اوست.

درست است که کلمه تثلیث در کتاب مقدس یافت نمی‌شود، ولی نمی‌توان منکر واقعیت آن شد. چون سراسر کتاب مقدس صحبت از این می‌کند که پدر، پسر و روح القدس هر سه قدرت خدایی دارند. به آیات زیر توجه فرمایید:

«خدا گفت آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم»
(پیدایش ۱: ۲۶).

«پس رفته همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید» (متی ۲۸: ۱۹).

«آنکاه پطرس گفت ای حنانیا چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح القدس را فریب دهی. به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا» (اعمال رسولان ۵: ۳ و ۴۹).

«نعمتها انواع است ولی روح همان، و خدمتها انواع است اما خداوند همان. و عملها انواع است لکن همان خدا همه را در همه عمل می‌کند» (اول قرنطیان ۱۲: ۴-۶).

«برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر به تقدیس روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح» (اول پطرس ۱: ۲).
«در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود» (یوحنا ۱: ۱).

«در وی (مسیح) از جهت جسم تمامی پری الوهیت ساکن است» (کولسیان ۹:۲).

«که چون (مسیح) در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت» (فلپیان ۷ و ۶:۲).

از آیات فوق پیدا است که روح القدس و مسیح از مقام و شخصیت خدایی برخوردار هستند. اگر مسیح خود خدا نبود، نمی توانست برای نجات انسان جسم پوشیده، کفاره گناهان او شود و به انسان نشان دهد که خدا چگونه است. (عبرانیان ۳:۱)

حال، به عقیده شاهدان یهوه درباره یوحنا ۱:۱ توجه کنید: متن اصلی یونانی بعضی ترجمه ها، آیه یک را چنین آورده اند: «کلمه "الهی" بود و یا "یک خدا" بود» (حقیقتی... ص ۲۴).

غیر از کتاب مقدس «نیو ورلد» (کتاب مقدسی که بدست شاهدان یهوه ترجمه شده است) هیچ ترجمه معتبر و حتی ترجمه تفسیری در هیچ زبانی یوحنا ۱:۱ را بصورت فوق ترجمه نمی کند. و جالب اینجاست که کسانی ادعا می کنند که تنها ترجمه درست از زبان یونانی را انجام داده اند که پیشوایانشان مثل «راسل» و دیگران حتی الفبای یونانی را درست نمی دانستند!

امروز نیز شاگردان آنها وقتی در مقابل آیه ای از کتاب مقدس قرار می گیرند که با عقاید آنها سازگار نیست، فوری می گویند: «یونانی این کلمه معنی دیگری دارد». ولی باید پرسید کدام یونانی، یونانی کتاب مقدس یا یونانی «راسل»!

وقتی یوحنا در ابتدای انجیل خود می نویسد: «کلمه (مسیح) خدا بود» (یوحنا ۱:۱)، منظور کاملاً روشن است. شاهدان یهوه فکر می کنند منظور

یوحنا چیز دیگری بوده، بهتر است به انجیل یوحنا ۲۸:۲۰ نیز نگاه کنند تا در خدا بودن مسیح شکی نداشته باشند: «توما در جواب وی (مسیح) گفت: ای خداوند من و ای خدای من.»

۲- فدیة مسیح برای زندگی بهتر انسان

شاهدان یهوه معتقدند که انسان گناهکار است (البته آنها معنی عمیق گناه را نمی دانند) و بوسیله قربانی یا فدیة می توانند نجات یابند. «پس خدا پسر خود را به زمین فرستاد و عیسی مانند یک انسان متولد شد، زیرا که یک زندگی انسانی احتیاج بود... پس عیسی کاملاً حائز شرایط بود که زندگی خود را بعنوان فدیة ای معادل تقدیم کند» (حقیقتی... ص ۵۲).

آنها می گویند آنچه می بایست فدیة شود، فقط حیات انسانی مسیح بود. وقتی مسیح حیات انسانی خود را فدا ساخت، دیگر نمی توانست آن را پس گیرد. در نتیجه، رستاخیز مسیح «روحی» بود. «خداوند یهوه پسرش را در قبر ترک نکرد، بلکه در روز سوم او را برخیزانید ولی به او زندگی مجدد انسانی نداد، زیرا این به معنای آن می شد که عیسی ارزش قربانی خود را پس می گیرد... برای اثبات رستاخیز خود، در فاصله چهل روز پس از رستاخیز، آشکارا جسمهای مختلف پوشیده، بر شاگردان ظاهر گشت» (حقیقتی... ص ۵۳).

آنها می گویند مسیح با فدیة جان خود زندگی روحانی را برای انسان فراهم نساخت بلکه زندگی مرفه و انسانی را که بشر از دست داده بود. آنچه شاهدان یهوه در این مورد می گویند، این است که مرگ مسیح باعث شد انسان حق داشتن زندگی خوب و بی دردسر را که از دست داده بود، مجدداً آورد. آنها گناه را آنقدر مهیب نمی دانند که در واقع هست، در نتیجه نمی توانند این حقیقت را ببینند که مسیح به وسیله ریختن خون خود بود

که توانست انسان گناهکار را با خدای مقدس و عادل آشتی دهد (به یوحنا ۲۹:۱ و اول پطرس ۲:۲۴ نگاه کنید).

۳- بازگشت ثانوی عیسی مسیح در سال ۱۹۱۴ میلادی اتفاق افتاد

«عیناً همانطور که عیسی پیشگویی کرده بود، جمیع این حقایق (اشاره به وقایع جنگ جهانی اول) سال ۱۹۱۴ مبدأ روزهای آخر و سالی که ملکوت خدا حکومت فعال خود را شروع کرد ثابت می‌کند» (حقیقتی... ص ۸۸).

شاهدان یهوه معتقدند که عیسی مسیح در سال ۱۹۱۴ به زمین بازگشته است و چون او روح است و دیگر بدن ندارد، کسی نمی‌تواند او را ببیند. آنها می‌گویند همانطور که در متی ۲۴:۳ و ۷ و ۸ مذکور است، جنگ‌ها و قحطی‌ها و غم‌ها نشانه آمدن خداوند است. در سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۸ تمامی این نشانه‌ها در جنگ جهانی اول مشاهده شده است. بلی، درست است که اینها نشانه‌های آمدن ثانوی عیسی مسیح است، ولی این را نیز نباید فراموش کرد که مسیح فرمود مردم بازگشت او را به چشم خواهند دید: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال رسولان ۱:۱۱). در همان فصلی که مسیح صحبت از نشانه‌های آمدنش می‌کند، در ضمن می‌گوید: «... در آن وقت جمیع طوایف سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان به قوت و جلال عظیم می‌آید» (متی ۲۴:۳۰). در مورد اینکه شاهدان یهوه می‌گویند عیسی مسیح فقط از لحاظ روحی زنده شد، کافی است آنچه که مسیح در لوقا ۲۴:۳۹ می‌فرماید، مطالعه

کنند: «دستها و پایهایم را ملاحظه کنید که من خود هستم و دست بر من گذاشته ببینید زیرا که روح گوشت و استخوان ندارد چنانکه می‌نگرید که در من است.»

۴- جهنم ابدی وجود ندارد

«مذاهب جهان مسیحیت و سرزمینهای دیگر با گفتن اینکه جان بعد از مرگ بدن به زندگی ادامه می‌دهد، یک دروغ را تعلیم می‌داده‌اند... در کتاب مقدس... حتی یک مورد نیز یافت نمی‌شود که جان با اصطلاحاتی از قبیل فناپذیری، نابودنشدن، غیرقابل هلاک، بدون مرگ و یا مثل آنها توصیف شده باشند» (بشارتی... ص ۹۳). «جهنم به معنی از بین رفتن است، و نه به معنای شکنجه ابدی» (بشارتی... ص ۹۵).

شاهدان یهوه معتقدند که وقتی انسان می‌میرد، دیگر از وجود هستی ساقط می‌شود. روح هرگز از بدن جدا نمی‌شود بلکه همراه آن، هنگام مرگ می‌میرد. ولی در متی ۲۸:۱۰ می‌خوانیم: «از قاتلان جسم که قادر به کشتن روح نیند بیم نکنید بلکه از او بترسید که قادر بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم» (همچنین به مکاشفه ۱۵:۲۰ نگاه کنید).

شاهدان یهوه می‌گویند که خدای رحیم و مهربان نمی‌تواند مردم را به جهنم ابدی بفرستد و آنها را معذب سازد. ولی آیا این خداست که مردم را به جهنم می‌فرستد و آنها را عذاب می‌دهد؟ در کتاب مقدس می‌خوانیم که او نمی‌خواهد هیچکس هلاک شود (۲ پطرس ۳:۹). بلکه انسان خودش است که راه جهنم را انتخاب می‌کند. خدا محبت است، ولی در عین حال عادل نیز می‌باشد. کسانی که گناه می‌کنند، به سزای اعمال خود می‌رسند.

۵- ۱۴۴ هزار نفر

شاهدان یهوه به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند. کسانی که مقام مهم دارند و در رأس کارها قرار گرفته‌اند، به «۱۴۴ نفر» معروف هستند. این عدد از مکاشفه اخذ شده است، که بنابر تفسیر بعضی مسیحیان، عددی است سمبولیک که اشاره به دوازده سبط اسرائیل می‌کند. اما شاهدان یهوه می‌گویند این رقم کسانی است که در گروه آنها هستند و بوسیله خداوند انتخاب شده‌اند تا رهبران مخصوص گروه باشند.

گروه دوم آنهایی هستند که به خانه‌های مردم وارد می‌شوند و درباره عقاید خود صحبت می‌کنند. این گروه به «گوسفندان دیگر» لقب دارند. اینها آینده درخشانی مثل آن ۱۴۴ هزار نفر ندارند بلکه باید سخت کار کنند تا نجات یابند. به این دلیل است که این گروه اینقدر فعالیت می‌کنند.

۶- جنگ هارمجدون

شاهدان یهوه می‌گویند به زودی جنگی در می‌گیرد که به هارمجدون معروف است. نام هارمجدون را در مکاشفه ۱۶:۱۶ می‌خوانیم که جنگی است علیه قوم اسرائیل. ولی شاهدان یهوه معتقدند این یک جنگ جهانی خواهد بود که در یک طرف تمام ملل دنیا، رهبران مسیحیت (که بگفته آنها از شیطان هستند) و تمام غیر مسیحیان، و در طرف دیگر بازماندگان ۱۴۴ هزار نفر و «گوسفندان دیگر» قرار خواهند داشت. همزمان با این جنگ که روی زمین بوقوع می‌پیوندد، جنگ دیگری نیز در آسمان بین خدا و شیطان در می‌گیرد.

نتیجه جنگ هارمجدون، مصیبت بار خواهد بود. دو میلیارد نفر کشته خواهند شد، تمام مسیحیت نابود خواهد گردید، و تمام ملل دنیا هلاک

خواهند شد. هیچ یک از کسانی که بر ضد یهوه بودند، جان سالم بدر نخواهند برد. تنها «شاهدان یهوه» در این جنگ زنده خواهند ماند.

۷- رستاخیز

به گفته شاهدان یهوه، بعد از جنگ هارمجدون وقایع خوشحال کننده‌ای رخ خواهد نمود. نخست، بقیه ۱۴۴ هزار نفر که هنوز روی زمین باقی باشند، می‌میرند و مستقیماً به آسمان می‌روند تا با عیسی سلطنت کنند. «گوسفندان دیگر» که از جنگ هارمجدون جان سالم بدر برده‌اند، آماده داوری می‌شود.

سپس مردم خوب دنیا مثل ابراهیم، موسی و داود زنده می‌شوند. بعد از آنان، «گوسفندان دیگر» زنده می‌گردند. بعد یهوه تمام کسانی را که فرصت شنیدن حقایق مربوط به یهوه را نداشته‌اند، دوباره حیات خواهد داد تا در مدت هزار سال تعلیم ببینند. در روز داوری این اشخاص باید یهوه را قبول کنند یا رد کنند. کسانی که یهوه را رد کنند، نابود خواهند شد و بقیه تا ابد روی زمین باقی خواهند ماند.

ارزیابی عقاید شاهدان یهوه

در کجای کتاب مقدس می‌توان چنین مطلب شسته و رفته‌ای یافت؟ هیچ جا! کتاب مقدس اینطور تعلیم می‌دهد که بعد از مرگ دیگر فرصتی برای نجات یافتن نخواهد بود. در سلطنت هزار ساله مسیح چنین چیزی نمی‌بینیم که دوره آموزشی برای کسانی که خبر نجات را نشنیده‌اند، وجود داشته باشد. بلکه در مکاشفه ۱۵:۲۰ می‌خوانیم «هر که در دفتر حیات

مکتوب نشد به دریاچه آتش افکنده گردید.»

یکی از علائم مشخصه شاهدان یهوه، نفرتی است که از مسیحیان دارند. آنها معتقدند که تمام مسیحیان در جنگ هارمجدون نابود می‌شوند. همانطور که دیدیم درباره مسیح نیز عقاید عجیب و غریبی دارند. او را مخلوق خدا می‌دانند. یهوه فقط نجات دهنده است. می‌گویند وقتی عیسی مسیح در آسمان بود، همان میکائیل فرشته بود. وقتی به جهان آمد از طبیعت فرشته‌ای خود خارج شده، یک انسان محض گردید.

پس وقتی هم مرد، چون فقط یک انسان بود، این قدرت را نداشت که برای تمام مردم جهان کفاره شود. شاهدان یهوه معتقد به قیام بدنی مسیح نیستند بلکه رستاخیز او را تنها از لحاظ روحانی توجیه می‌کنند. آنها هم مثل بی‌ایمانان دیگر، نمی‌دانند بدن مسیح در قبر چه شد و نمی‌توانند کفن خالی مسیح را توجیه کنند (یوحنا ۲۰:۵).

برای مقابله با ادعای شاهدان یهوه، لازم است مسیحیان از نجات خود مطمئن باشند، نجاتی که بر پایه مصلوب شدن و قیام عیسی مسیح از مردگان استوار است. باید با پولس همصدا شده بگویند: «لیکن اگر به مسیح وعظ می‌شود که از مردگان برخاست، چون است که بعضی از شما می‌گویند که قیامت مردگان نیست؟... زیرا هرگاه مردگان برنمی‌خیزند مسیح نیز برنخاسته است، اما هرگاه مسیح برنخاسته است ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناهان خود هستید... لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است» (اول قرنتیان ۲:۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۲۰).

اختلاف عقاید مسیحیان و شاهدان یهوه

عقاید مسیحیان

خدا

خدا ابدی، دارای شخصیت، و وجودی است روحانی در سه اقنوم - پدر، پسر و روح القدس (متی ۳: ۱۳-۱۷، ۲۸: ۱۹، دوم قرنتیان ۱۳: ۱۳).

عقاید شاهدان یهوه

فقط یهوه خدا از ازل بوده و خالق و نگه دارنده تمام عالم هستی است. تثلیث اقدس را قبول ندارند.

جاودانگی

کتاب مقدس چنین تعلیم می دهد که انسان روح ابدی و فناپذیری دارد (پیدایش ۱: ۲۶، ۵: ۱، ایوب ۳۲: ۸، اعمال ۷: ۵۹، اول قرنتیان ۷: ۱۱).

انسان روح فناپذیر ندارد. روح با بدن یکی است.

عیسی مسیح

مسیح جزئی از تثلیث اقدس می باشد و خداست (یوحنا ۱: ۱، کولسیان ۱: ۱۵-۱۹، ۲: ۹، اول یوحنا ۵: ۷ و ۸).

مسیح خدا نیست بلکه نخستین مخلوق خدا می باشد. مسیح از جنبه الوهیت برخوردار نیست.

کفار

مرگ مسیح جریمه کامل گناهان	مرگ مسیح فرصتی برای انسان
بشر را پرداخت (رومیان	بوجود می آورد تا با کوشش
۲۴:۳ و ۲۵، کولسیان ۱: ۲۰، اول	خود به نجات دست یابد، یعنی
پطرس ۲: ۲۴، دوم قرنتیان	زندگی کامل انسانی روی زمین.
(۲۰: ۵)	

رستاخیز مسیح

مسیح از لحاظ بدنی از قبر قیام	مسیح همچون «روح الهی» قیام
کرد (یوحنا ۲: ۲۱، ۲۰: ۲۴-۲۹،	کرد. آنها قیام بدنی مسیح را
لوقا ۲۴: ۴۳).	انکار می کنند.

بازگشت مسیح

بازگشت مسیح قابل رؤیت	مسیح بطور نامرئی در سال
خواهد بود (اول تسالونکیان	۱۹۱۴ به زمین برگشت و حالا از
۴: ۱۶ و ۱۷۷، متی ۲۴: ۳۰، زکریا	آسمان بر زمین حکومت
۱۲: ۱۰، مکاشفه ۱: ۷).	می کند.

جهنم

مجازات ابدی برای گناهکاران	جهنم یا مجازات ابدی وجود
وجود دارد (متی ۵: ۲۲،	ندارد. کسانی که با معیارهای
۸: ۱۱ و ۱۲، ۱۳: ۴۲ و ۵، ۲۲: ۱۳،	یهوه سازگار نباشند، از هستی
لوقا ۱۳: ۲۴-۲۸، دوم پطرس	ساقط می شوند، یعنی دیگر
۲: ۱۷، یهودا ۱۳، مکاشفه	وجود نخواهند داشت و چیزی
۲۴: ۹-۱۱).	نخواهند فهمید.

و حالا برای اینکه خوانندگان عزیز بتوانند اطمینان کنند که عیسی مسیح همان خدا یا یهوه است که در عهد عتیق درباره اش می خوانیم، از کتاب مقدس چند آیه در زیر نقل می کنیم.

۱- یهوه مذکور در «عهد عتیق» همان عیسی در «عهد جدید» زیرا همین است آنکه اشعیا نبی از او خبر داده می گوید صدای ندا کننده در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید و طریق او را راست نمایید (متی ۳: ۳).	صدای ندا کننده در بیابان راه خداوند (کلمه عبری یهوه در اینجا به فارسی خداوند ترجمه شده است) را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید (اشعیا ۴۰: ۳).
--	--

۲- یهوه عدالت ما در «عهد عتیق» همان عیسی عدالت ما در «عهد جدید» لکن از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است و عدالت و قدوسیت و فدا (اول قرن تیان ۱: ۳۰).	خداوند می گوید اینک ایامی می آید که شاخه عادل برای داود بر پا می کنیم و پادشاهی سلطنت نموده، به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را در زمین مجرا خواهد داشت. در ایام وی یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد و اسمی که به آن نامیده می شود این است «یهوه صدقینو (یهوه عدالت ما)» (ارمیا ۲۳: ۵ و ۶).
---	---

۳- یهوه اول و آخر در «عهد همان عتیق»

من که یهوه و اول و آخر می باشم،
من هستم (اشعیا ۴:۴۱)

خداوند پادشاه اسرائیل و یهوه
صبایوت که ولی ایشان است
چنین می گوید: من اول هستم و
من آخر هستم و غیر از من خدایی
نیست (اشعیا ۴۴:۶).

عیسی اول و آخر در «عهد جدید»
من الف و یا- ابتدا و انتها و اول
و آخر هستم (مکاشفه ۱۳:۲۲).

۴- یهوه رسول عهد در «عهد همان عتیق»

اینک من رسول خود را خواهم
فرستاد و او طریق را پیش روی
من مهیا خواهد ساخت و
خداوندی که شما طالب او
می باشید ناگهان به هیکل خود
خواهد آمد یعنی آن رسول
عهدی که شما از او سرور
می باشید. هان او می آید قول
یهوه صبایوت این است (ملاکی
۱:۳).

عیسی رسول عهد در «عهد جدید»
چنانکه در اشعیا نبی مکتوب
است اینکه رسول خود را پیش
روی تو می فرستم تا راه تو را
پیش تو مهیا سازد (مرقس ۱:۲)
پس به راهنمایی روح به هیکل
در آمد و چون والدینش آن
طفل یعنی عیسی را آوردند تا
رسوم شریعت را به جهت او به
عمل آورند (لوقا ۲:۲۷).

۵- خدای ابدی و خالق در «عهد عتیق» همان

گفتم ای خدای من مرا در نصف روزهایم بر مدار سالهای تو تا جمیع نسلها است از قدیم بنای زمین را نهادی و آسمانها عمل دستهای تو است تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه مندرس خواهد شد و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهد شد لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید (مزمور ۱۰۲: ۲۴-۲۷).

خدای ابدی و خالق در «عهد جدید»

اما در حق پسر (عیسی مسیح): ای خدا تخت تو تا ابدالابد است و عصای ملکوت تو عصای راستین است. (عبرانیان ۸: ۱) و (نیز می‌گوید) تو ای خداوند در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای توست آنها فانی لکن تو باقی هستی و سالهای تو تمام نخواهد شد (عبرانیان ۱۰: ۱-۱۲).

۶- خدای حق در «عهد عتیق» همان

اما یهوه خدای من است و او خدای حی و پادشاه سرمدی می‌باشد از غضب او زمین متزلزل می‌شود و امتهای قهر او را متحمل نتوانند شد (ارمیا ۱۰: ۱۰)

عیسی خدای حق در «عهد جدید» اما آگاه هستیم که پسر خدا آمده است و به ما بصیرت داده است تا حق را بشناسیم و در حق یعنی در پسر او عیسی مسیح هستیم. اوست خدای حق و حیات جاودانی (اول یوحنا ۵: ۲۰).

۷- خدای داو در «عهد عتیق» همان

زیرا خدا هر عمل را با هر کار
مخفی خواه نیکو و خواه بد
باشد به محاکمه خواهد آورد
(جامعه ۱۲: ۱۴).

عیسی خدای داو در «عهد جدید»
ترا در حضور خدا و مسیح
عیسی که بر زندگان و مردگان
داوری خواهد کرد قسم می‌دهم
و به ظهور و ملکوت او (دوم
تیموتاؤس ۱: ۴). لذا پیش از
وقت به چیزی حکم نکنید تا
خداوند بیاید که خفایای ظلمت
را روشن خواهد کرد و نیت‌های
دلها را به ظهور خواهد آورد
آنگاه هر کس را مدح از خدا
خواهد بود (اول قرنتیان ۵: ۴).
زیرا لازم است که همه پیش
مسند مسیح حاضر شویم تا هر
کس اعمال بدنی خود را بیابد به
حسب آنچه کرده باشد چه
خوب چه بد (دوم قرنتیان
۵: ۱۰).

۸- بعنوان عمانوئیل در «عهد
عتیق» همان

بنابراین خود خداوند به شما
آیتی خواهد داد اینک باکره
حامله شده پسری خواهد زایید
و نام او را عمانوئیل خواهند
خواند (اشعیا ۷: ۱۴)

عیسی بعنوان عمانوئیل (خدا با
ما) در «عهد جدید»
که اینک باکره آبستن شده
پسری خواهد زایید و نام او را
عمانوئیل خواهند خواند که
تفسیرش این است خدا با
ما (متی ۱: ۲۳).

۹- یگانه قدوس در «عهد عتیق» همان
مثل یهوه قدوسی نیست زیرا
غیر از تو کسی نیست و مثل
خدای ما صخره‌ای نیست (اول
سموئیل ۲:۲).

عیسی یگانه قدوس در «عهد
جدید»
اما شما آن قدوس عادل را منکر
شده خواستید که مردی خونریز
به شما بخشیده شود (اعمال
۱۴:۳).

۱۰- یهوه خالق همه چیز در «عهد
عتیق»
آیا ندانسته و نشنیده‌اید که
خدای سرمدی یهوه آفریننده
اقصای زمین درمانده و خسته
نمی‌شود و فهم او را تفحص
نتوان کرد (اشعیا ۴۰:۲۸).

عیسی خالق همه چیز در «عهد
جدید»
همه چیز بواسطه او (عیسی
مسیح) آفریده شد و بغیر از او
چیزی از موجودات وجود
نیافت (یوحنا ۱:۳). زیرا که در
او (عیسی مسیح) همه چیز
آفریده شد آنچه در آسمان و
آنچه در زمین است از چیزهای
دیدنی و نادیدنی و ریاسات و
قوات همه بوسیله او و برای او
آفریده شد (کولسیان ۱:۱۶).

۱۱- یهوه نگهداره همه موجودات همان
در «عهد عتیق»

تو به تنهایی یهوه هستی تو فلک و
فلک الافلاک و تمامی جنود آنها را
و زمین را و هر چه بر آن است و
دریاها را و هر چه در آنها است
ساخته‌ای و تو همه اینها را حیات
می‌بخشی و جنود آسمانها ترا
سجده می‌کنند (نحمیا ۹: ۶).

عیسی مسیح حامل و نگهدارنده
همه موجودات در «عهد جدید»

و او (عیسی مسیح) قبل از همه
است و در وی همه چیز قیام
دارد (کولسیان ۱: ۱۷).

که فروغ جلالش و خاتم
جوهرش بوده، چون طهارت
گناهان را به اتمام رسانید،
بدست راست کبریا در اعلی
علین بنشست (عبرانیان ۳: ۱).

۱۲- عیسی خدای ابدی در «عهد
عتیق» همان

زیرا که برای ما ولدی زاییده و
پسری به ما بخشیده شد و سلطنت
بر دوش او خواهد بود و اسم او
عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر
سرمدی و سرور سلامتی خوانده
خواهد شد (اشعیا ۹: ۶). و تو ای
بیت لحم افرا ته اگر چه در
هزاره‌های یهودا کوچک هستی، از
تو برای من کسی بیرون خواهد
آمد که بر قوم من اسرائیل
حکمرانی خواهد نمود و
طلوع‌های او از قدیم و از ایام ازل

عیسی مسیح بعنوان خدای ابدی
در «عهد جدید»

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا
بود و کلمه خدا بود (یوحنا ۱: ۱). و
او قبل از همه است و در وی همه
چیز قیام دارد (کولسیان ۱: ۱۷).

اما در حق پسر ای خدا تخت تو تا
ابدالابد است و عصای ملکوت تو
عصای راستی است عدالت را
دوست و شرارت را دشمن
می‌داری. بنابراین خدا، خدای تو،
تو را به روغن شادمانی بیشتر از
رفقای مسیح کرده است و (نیز
می‌گوید) تو ای خداوند در ابتدا
زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع

بوده است (میکا: ۵: ۲).

دستهای توست (عبرانیان
۸: ۱-۱۰) من هستم الف و یا، اول
و آخر می گوید آن خداوند خدا که
هست و بود و می آید قادر علی
المطلق (مکاشفه ۸: ۱).

۱۳- یهوه تبدیل ناپذیر در «عهد همان

عتیق»

زیرا من که یهوه می باشم تبدیل
ناپذیرم (ملاکی ۶: ۳).

عیسی لایتغیر در «عهد جدید»
تو همان هستی و سالهای تو
تمام نخواهد شد (عبرانیان
۱۲: ۱).

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا
ابد الابد همان است (عبرانیان
۸: ۱۳).

پس، به این ترتیب مشاهده می شود که ادعای شاهدان یهوه مبنی بر
اینکه یهوه، آفریننده عیسی مسیح است و مسیح مخلوقی بیش نیست، پوچ
است. کتاب مقدس خیلی واضح و روشن راه نجات بوسیله عیسی مسیح را
نشان می دهد. لطفاً به آیاتی که مستقیماً از خود کتاب مقدس نقل شده،
توجه بفرمائید:

راه نجات مسیحی

«ای آقایان مرا چه باید کرد تا نجات یابم؟ گفتند به خداوند مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱۶: ۳۰ و ۳۱).

«پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد» (اعمال رسولان ۱۹: ۳).

«پطرس (رسول) بدیشان گفت توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

«لیکن بدون ایمان، تحصیل رضامندی خدا محال است زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازم است که ایمان آورد...» (عبرانیان ۱۱: ۶).

«اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد» (اول یوحنا ۱: ۹).

«زیرا که محض فیض (بخشش) نجات یافته‌اید بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال (کارها) تا هیچکس فخر (افتخار) نکند. زیرا که صنعت او (عیسی مسیح) هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک (رفتار) نماییم» (افسیان ۸: ۲ تا ۱۰).

عیسی فرمود: «هر که بجانب من آید او را بیرون نخواهم نمود» (اول یوحنا ۶: ۳۷).

«و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند» (یوحنا ۱۷: ۳).

«زیرا که ما به واسطه روح القدس از ایمان مترقب امید عدالت هستیم و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند» (غلاطیان ۵: ۵ و ۶).

«زیرا که در مسیح عیسی نه ختنه چیزی است نه نامختونی بلکه نجات تازه»

(غلاطیان ۶: ۱۵).

عیسی مسیح فرمود: «هر که را من دوست می‌دارم توبیخ و تادیب می‌نمایم. پس غیور شو و توبه نما. اینک بر در قلبت ایستاده می‌گویم اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکاشفه یوحنا ۳: ۹ و ۲۰).

«عیسی بدو گفت: من راه و راستی و حیات هستم. هیچکس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (یوحنا ۱۴: ۶).

«و به آن کسانی که او را قبول کردند، قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲).

«زیرا اگر به زبان خود عیسی مسیح خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خداوند او را از مردگان برخیزانید نجات خواهی یافت. چونکه بدل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف می‌شود به جهت نجات» (رومیان ۱۰: ۹ و ۱۰).

پس خواننده عزیز، اگر می‌خواهید نجات یابید، چنین دعا کنید.

«ای خداوند ما عیسی مسیح، من اعتراف می‌کنم که گناهکار هستم و احتیاج به بخشش دارم و ایمان می‌آورم که تو برای گناهان من مردی و زنده شدی تا به من حیات جاودانی ببخشی. و از حالا من توبه می‌کنم و تو را در قلب و زندگی خودم دعوت می‌کنم.»

زندگی جاودانی در عیسی مسیح

و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر او (عیسی مسیح) است. آنکه پسر را دارد حیات را دارد و

آنکه پسر خدا را ندارد حیات را نیافته است. این را نوشتم به شما که به اسم پسر خدا (عیسی مسیح) ایمان آورده اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید. و این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه بر حسب اراده او سؤال نماییم ما را می شنود و اگر دانیم که هر چه سؤال می کنیم ما را می شنود پس می دانیم که آنچه را از او درخواست کنیم می یابیم» (اول یوحنا ۵: ۱۱ تا ۱۵).

«چنانچه مکتوبست که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (رومیان ۱۷: ۱).

«چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت (نیکی مطلق) محسوب شد» (رومیان ۱: ۵).

عیسی مسیح فرمود:

«گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند. و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد بزرگتر است و کسی نمی تواند آنها را از دست پدر من بگیرد. من و پدر (خداوند خدا) یک هستیم» (انجیل یوحنا ۱۰: ۲۷ تا ۳۰).